



جایگاه تحلیل و کارکرده آن در حوزه نمایش و تئاتر (۲)

صمد چینی فروشان

در سطح جریان می‌یابد. نمایش از عمل سخن نمی‌گوید بلکه نفس عمل و خود عمل را عرضه می‌دارد. واژه نمایش در یونان باستان به معنای «کنش» یا «عمل» درک می‌شده است/

نمایش در یونان باستان کنشی تقلیدی بوده است برای بازنمایی و تقلید رفتار بشر تأکید بر کنش (عمل) در درام، خط فاصلی بوده است که درام را از دیگر انواع ادبی مشخص می‌کرده است/

شیوه بازنمود عمل، حوادث و رویدادها در ادبیات محض، خطی است اما در درام که رویدادها در عمل و به هنگام وقوع حادث

نمایشنامه به لحاظ ادبی یکی از انواع ادبیات است اما به لحاظ شکل و قالب بیانی و نوع ابزار ارتباط با مخاطب و تکنیک ادبی ویژه خود. با انواع ادبی دیگر نظیر داستان، قصه، رمان، شعر و... تفاوت ذاتی و ماهوی دارد/

یک نمایشنامه پیش از هر چیز یک متن دراماتیک است که نظر به تبیین عملی و در زمانی کنشها، اعمال و حوادث دارد. یک متن ادبی به توصیف عمل می‌پردازد در حالی که متن دراماتیک، حوادث و وقایع را در حین حدوث و وقوع در عمل عرضه می‌کند. تمامی عناصر یک متن ادبی، نظیر دیدگاه، ایماژ (تصاویر)، حرکت، منظر، عواطف، هیجانات، انگیزه‌ها و... در متن دراماتیک (برخلاف متن ادبی صرف) در بطن و لایه‌های درونی و زیرین جریان می‌یابد. معنا در متن دراماتیک، عمل محور است و در متن ادبی توصیف محور و لذا در متن ادبی عناصر پیش گفته

تمرکز گویی
ویژه متن
دراماتیک که،
طی تاریخ
تحول درام،
در سه حوزه
شخصیت،
مضمون (معنا)
و روایت نمود
یافته است،
ویژگی منحصر
به فرد درام
است

می‌شوند، شیوه بازنمود رویدادها، همچون زندگی چند بعدی است و می‌تواند منظر چند سطحی (بعدی) را در لحظه برای بازنمود حوادث اختیار کند.

تمرکزگرایی ویژه متن دراماتیک که، طی تاریخ تحول درام، در سه حوزه شخصیت، مضمون (معنا) و روایت نمود یافته است، ویژگی منحصر به فرد درام است؛ نوع تمرکزی که خود ریشه در ساختار ذهنی ویژه انسان پیشا ارتباطات دارد، مقصود از پیش ارتباطات، انسان پیش از عصر گستردگی ارتباطات و در آمیختگیهای فرهنگی است.

عصری که زبان، نژاد، ملیت و تجربیات فرهنگی - دینی و تاریخی مشترک، اساس تمایز و هویت بوده است.

با تحقق کامل عصر ارتباطی جدید، آثار دراماتیک بر سه محور شخصیت - فرد - قهرمان (الیپ هملت، مکبث آنتیگون، مده آ...)، درون مایه - مضمون (بکت، یونسکو، برشت و) داستان رادی ایبسن، چخوف، میلر، شاو، ویلیامز) متمرکز بوده و خواهند بود) هر اثر دراماتیک پیرامون یک نقطه مرکزی با یک محور ویژه گسترش یافته و می‌یابد این ویژگی مشخصه برجسته و تخطی‌ناپذیر درام در همه انواع و اعصار تا به در آثار دراماتیک فرد/شخصیت محور، عامل پیش برنده حوادث و وقایع، اراده و عمل قهرمان/شخصیت است، سیر تحول وقایع بر خواست، اراده، نیت و انگیزه‌های فرد مبتنی است. رابطه میان فرد و جامعه فرد و تاریخ، فرد و جریانات عمده اندیشه و تفکر، فرد و عقاید و باورهای دینی، سنتی، در مقطع معینی از تاریخ یک ملت یا گروهی از ملت‌های وابسته و مرتبط، در این نوع درامها، به محدوده عمل یک فرد/قهرمان تقلیل داده می‌شود به طوری که از طریق تحلیل اعمال به انگیزه‌ها نیات و به طور کلی رفتار یا کنشهای قهرمان علاوه بر پاسخ نویسنده، به مثابه نماینده پیشروترین قشر جامعه به مسایل مبتلا به فرد در مقطع تاریخی معین، می‌توان به تمایلات پنهان اقبال و جریانات

موجود در جامعه نیز دست یافت در این نوع آثار که تأثیرات عقلی از راه تأثرات حسی و عاطفی میسر می‌گردد، باورپذیری، معیار انتخاب شیوه و روشهای تئاتریکال (پرداخت ریماشناسیک) در ساخت و طراحی سیر تحول وقایع است. این نوع تئاتر با رهاسازی و جهت‌دهی به نیروهای عقلی و عاطفی در راستایی معین، علاوه بر تأثیر زیبایی‌شناسی، ذهن و روح مخاطب را چنان درگیر می‌کند که گویی جزئی از عوامل و اجزای مؤثر در وقایع درام است. کشمکش دراماتیک میان فرد و محیط - به معنای وسیع کلمه - علت‌العلل تحقق درام در این نوع است، اما تحقق این کشمکش نیز وابسته عامل دیگری است که اراده یا انگیزه و خواست نامیده می‌شود. در این نوع از متون دراماتیک، بدون اراده و خواست قهرمان که عامل انگیزش آن می‌تواند انسان، محیط، نیروهای پنهان اما مؤثر اجتماعی نظیر عقاید، باورها، قدرت سیاسی و نیروهای فوق‌طبیعی باشد درامی شکل نخواهد گرفت. انجام هر عمل، بیان هر کلام با سخن از سوی قهرمان و نیروهای مخالف یا رویارویی او، را می‌توان در چارچوب ساختار شمایل نگاری متن، به مفاهیم و معانی وسیع خارج از متن (جریانات فکری یا اجتماعی) نسبت داد و مورد تحلیل

قرار داد. مفاهیمی که می‌تواند معرف مسأله‌ای ذهنی و فکری (یا عینی باشد؛ مسأله‌ای منحصر به مقطع تاریخی معین اما قابل تعمیم به ادوار تاریخی دیگر به کمک تأویل و تفسیر آنچه قابلیت تعمیم‌پذیری مفاهیم این نوع درامها را توضیح می‌دهد، ویژگی روشنفکرانه و انسان محور آنهاست.

در آثار دراماتیک معنا/مضمون محور، همه اجزا و عناصر سازنده درام شامل موقعیت، اشخاص بازی، فضا، مکان و وقوع حادثه، شبه روایت و قصه

و از یک مضمون یا معنای محوری تبعیت می‌کند. از این نقطه نظر این گونه آثار، بیش از انواع دیگراند. در این آثار فردیت اشخاص قربانی استبداد معنا شده است.

هر عنصر درام حضور خود را وام‌دار مشارکتش در شکل‌دهی به تصویر نهایی است؛ یعنی سهمی که در روند عینیت‌بخشی به معنای مورد نظر نویسنده بر عهده گرفته است. استبداد معنایی حاکم بر این گونه آثار راه را بر تکثر تأویل می‌بندد. در تحلیل آثار معنا محور، هر جز درام به مثابه واژه‌ای از یک سخن نهایی عمل می‌کند. شکل در این آثار تابعی از معناست. همچنان که هستی هر عضو درام تابعی از اراده معناست.

تنوع شکلی آثار معنا محور را با همین وابستگی شکل به معنا می‌توان توضیح داد. انعطاف‌ناپذیری این آثار در برابر تکثر تأویل را گشودگی آنها در قبال شکل و فرم‌شکل‌پذیر آنها جبران می‌کند، به طوری که می‌توان از پدیده‌ای به نام تأویل شکلی در آنها سخن گفت.



اکثر درامهای شرقی (هند، چین و...) را می‌توان در زمره آثار مضمون معنا محور تلقی کرد. این آثار بر تعقل و خرد مخاطب بیش از احساسات و عواطف او تکیه دارند. زبان شکل / فرم در آنها به لحاظ جایگاهش در انتقال معنا، با زبان و کلام برابری می‌کند. تئاتریکالیته (عناصر زیبایی‌شناختی) در این آثار پیوند درونی ناگسستگی با معنا دارند؛ عمل دراماتیک در آثار معنا محور، علاوه بر زبان و کلام، بر شکل و فرم نیز گسترش یافته است. خواست، اراده و عمل فرد در آنها، تا حد نشانه تقلیل می‌یابد. به طور کلی این آثار، پاسخگوی نیاز ویژه‌ای از انسان هستند، انسانی که دیگر به درک کامل‌تری از نقش فرد و جامعه بی‌پرده است و از توهم فردگرایی رها شده است (حداقل در حوزه‌هایی معین)، پدیدآورندگان این قبیل آثار منادیان حقیقتی تام و تمام‌اند.

در تحلیل این آثار توجه به جنبه‌های نشانه شناختی و شمایل نگارانه اهمیت فراوان دارد. ساختار درونی، شکل / فرم بیرونی و فضا و موقعیت اشخاص بازی و مناسبات آنها، مجموعه‌ای غیرمتعارف را تشکیل می‌دهند و با تجربیات معینی مافاصله بسیار دارند. به شعر بیشتر شبیه‌اند و لذا عناصر سازنده آنها چنان طراحی می‌شوند تا ابعاد وسیع‌تر و گسترده‌تری از هستی را در دسترس قرار دهند. پیوند درونی آنها با شعر و فلسفه و حکمت، نوعی تجربه بازگشت به مبدأ و به اصل!! یعنی تجربه کهن الگوی را پدید می‌آورند یا چنین ادعا می‌کنند. در این آثار خانه، خانواده، گروه، جامعه، قدرت (زمینی و غیره...) و به طور کلی هستی در برابر انسان قرار دارد و انسان از معنای شخصی و منفرد آن رها شده است؛ لذا مسأله آنها انسان و هستی است. هستی یا وجود در معانی متنوع جامعه‌شناختی و فلسفی آن، خود آنها بیشتر روایتگرند تا قصه‌گو.

بنابراین، در آنها، نباید در جستجوی منطق علی تحول وقایع بود. روایتگری (در انواع

شاعرانه، فلسفی، تاریخی و سیاسی) در آنها، وسیله پیوند با مبانی کمی الگویی، شکستن الگوهای پذیرفته، بیگانه‌نمایی، قهرمان‌ستیزی و آشنایی‌زدایی است. در مطالعه آنها، عمل تفسیر موفق‌تر از عمل تحلیل عمل می‌کند. آنها مکنونات خود را به عمل تفسیر، راحت‌تر از عمل تحلیل می‌کشایند. گشودن گره مفاهیم و معانی پنهان شده در تار و پود در هم تنیده شکل و کلام، در آنها، از طریق تفسیر راحت‌تر و عملی‌تر است. اما آنها به تفسیری یگانه راه می‌دهند و از تأویل و تفاسیر چند گانه گریزانند. چون حقیقتی را بازگو می‌کنند که تأویل‌ناپذیر است.

وابستگی درونی فرم/ شکل و ساختار و معنا در این آثار راه درک مفاهیم آنها را به عمل تفسیر منحصر می‌کند. عناصر فرم و ساختار در این گونه آثار در حقیقت دالهایی هستند که از طریق دلالت ما را به مفاهیم حاصل از تفسیر هدایت می‌کنند. تفسیر، دلالت‌هایی را که دالهای کلامی، شکلی و ساختاری آثار معنا محور ما را به عنوان آنها ارجاع می‌دهند، کشف و آنها را از میان لایه‌های به هم وابسته زبان، نشانه‌های رفتاری و شنیداری و دیداری و سایر نشانه‌ها شمایی و... بیرون می‌کشند.

با تحقق کامل عصر ارتباطی جدید، آثار دراماتیک بر سه محور شخصیت، فرم، قهرمان (ادیب هملت، مکبث آنتیگون، مده آ...)، درون مایه، مضمون (بکت، یونسکو، برشت) و داستان رادی ایسن، چخوف، میلر، شاول ویلیامز) متمرکز بوده و خواهند بود.

هر عنصر درام حضور خود را وام‌دار مشارکتش در شکل‌دهی به تصویر نهایی است: یعنی سهمی که در روند عینیت‌بخشی به معنای مورد نظر نویسنده بر عهده گرفته است). استبداد معنایی حاکم بر این گونه آثار راه را بر تکرار تأویل می‌بندد. در تحلیل آثار معنا محور، هر جز درام به مثابه واژه‌ای از یک سخن نهایی عمل می‌کند. شکل در این آثار تابعی از معناست. همچنان که هستی هر عضو درام تابعی از اراده معناست.

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



شماره های دوره جدید
ماهنامه صحنه
آماده ارسال به آدرس شماست

شماره های دوره جدید
ماهنامه صحنه
آماده ارسال به آدرس شماست



شماره های دوره جدید
ماهنامه صحنه
آماده ارسال به آدرس شماست